ظن به وجود هلال در لیله سابقه در رؤیت قبل الزوال و حجیت آن به روایات در کلام سید

استقامت طریق سید بحرالعلوم در مبنای رؤیت هلال

اگر عنوانین و فاصله‌ها حذف شود، تقریباً یک صفحه از فرمایشات مرحوم سید مانده است. ان شاءالله سریعتر تمام شود. مرحوم سید در اینجا به بزنگاه بحث رسیده‌اند. شاید این قسمتی که الآن مشغول هستیم، همانی باشد که مرحوم صاحب جواهر اشاره کرده‌اند «**لكن من غرائب الاتفاق خيرة العلامة الطباطبائي له في مصابيحه مع استقامة طريقه**[d1] »[1]. این «غرائب الاتفاق» همین جایی است که مرحوم سید فرموده‌اند: «**و أمّا الشهرة بين الأصحاب، فالأمر فيها هيّن** [d2] »[2]. و حال اینکه ذهن صاحب جواهر اصلاً تاب این جور بیانات را نداشته. من بخشی از عبارات ایشان را می‌خوانم.

البته قبل از آن این نکته را عرض می‌کنم؛ تا اینجا که از عبارات مرحوم سید بحر العلوم بحث کردیم، جمع‌بندی‌ای که در فضای مباحثه فقهی داریم و مقصود اصلی ما این است که بفهمیم سید چه کار کرده‌اند. مبنای سید در این مختارشان چه بوده. در یک کلمه عرض می‌کنم؛

مرحوم سید در این مصباحْ بعد از اینکه به‌خوبی جوانب بحث را بررسی کردند، به چهار روایت رسیدند؛ دو روایت برای این طرف است و دو روایت برای طرف دیگر. دو روایت دال بر مختار خودشان است؛ دلالتش روشن است. دو روایت هم آن طرف است که چند ماه پیش در آخر سال عرض کردیم که فرمودند: «**قد ظهر بما ذكرناه... انّ الاولى مطلقة ... و الثانى مضطربة الدلالة جدا**[d3] ». در مورد روایت محمد بن عیسی یقطینی فرمودند مضطرب الدلاله است. آن چیزی که به ذهن من می‌آید هنوز بحثش نشده است. روایت مدائنی را هم فرمودند مطلق است. این معارضه را به این صورت حل کرده‌اند که آن روایات بر اینها مقدم است.

نکته‌ای که از نظر بحث فقهی در این مصباحْ سید، برای ذهن طلبگی ما خیلی مهم است، این است: اساس این فرمایشات سید، فاصله گرفتن از مبنای مشهور در رؤیت هلال نیست. این هم که صاحب جواهر فرمودند «**غرائب الاتفاق خيرة العلامة الطباطبائي**[d4] »، مقصودشان این نبود که سید از مبنای مشهور در رؤیت هلال فاصله گرفته‌اند. اصلاً اینطور نیست. اساس

فرمایشات سید و مبنایشان بر اثبات حجیت یک ظن خاص است. اگر بخواهم در یک کلمه عرض کنم تا مقصود من روشن شود؛ سید که بحث کرده اند: **«اذا رُئی الهلال قبل الزوال فهو لیلة** [آیا] **»**، خُب این رؤیت، یعنی رؤیت به ظن؟ رُئی الهلال قبل الزوال ظناً بشهادة البینة، [d5] منظورشان این است؟ قطعاً منظورشان این نیست. ایشان که موضوع بحثشان این است «اذا رُئی الهلال قبل الزوال»، منظورشان از این رؤیت، رؤیت قطعی است. نه اینکه خودِ این رؤیت، ظنّی باشد. در این شکی نیست که اساس بحث سید [بر] سر قطع به رؤیت هلال قبل از زوال است. این قطعی است. خُب چرا ظن خاص دارند؟ ایشان نمی‌گویند: رؤیت، قطعی نیست؛ قطعاً قبل از زوال دیده‌ایم. اما حال که دیدیم ماه ثابت است یا نه؟ می‌گویند: رؤیت قطعیِ قبل از زوال از باب حجیت ظن خاص به این روایات است، بر اینکه این هلال برای دیشب است.

بنابراین حجیت رؤیت قطعی قبل از زوال، از باب اعتبار یک ظن خاص می‌شود. چطور در شهادت بینه شما می‌گویید دو شاهد شهادت دادند و ظن خاص شد و بر اعتبار آن دلیل دارید، ایشان هم رؤیت قبل از زوال را تنها و تنها از باب ظن خاص حجت می‌دانند. رؤیتش قطعی است اما اعتبارش ظن خاص است. چرا؟ چون مثل بینه دلیل شرعی دارید بر اینکه اگر قبل از زوال دیدید، یحصل لک الظن الخاص المعتبر بانّ هذا الهلال کان لللیلة الماضیة. یعنی همانطوری که بینه برای دیشب شهادت می‌دهند، این هلال قبل از زوال هم مثل شهادت می‌مانند. دارد می‌گوید: من دیشب بوده‌ام. ولی خُب دیشب بوده‌ام یا نبوده ام؟ بودنش مظنون است. دیدن الآن من قطعی است اما کاشفیت از اینکه دیشب هم هلال بوده یا نبوده ظنی است. این ظن خاص حجت می‌شود. این اساس فرمایش سید در این رساله است. این را داشته باشید، خیلی مهم است. بحث‌های جنبی آن را عرض می‌کنم.

خُب من این را از کجا عرض می‌کنم؟ قبلاً خوانده‌ایم، بعد هم می‌آید. مطالبی که قبلاً از سید ملاحظه فرموده‌اید، در یکی-دو جا بود. صریح‌ترین آنکه خیلی واضح بود، در صفحه پنجم بود. بعد از فقره «اجاب بعض المحققین»، سید یک "ان قلت و قلت" داشتند. این "ان قلت"، توضیح بلکه تصریح به این مطلبی است که در مورد ایشان عرض کردم. می فرمایند:

> **فإن قلت: طريق ثبوت الشهر منحصر في العلم بدخوله، أو الظنّ المعتبر شرعا، كشهادة البيّنة، و من المعلوم أنّ الرؤية قبل الزوال لا يقتضي العلم بكون الهلال لليلة السابقة، و غاية الأمر حصول الظنّ منها بذلك فيجب حمل الحكم بكون «لليلة السابقة» في كلامه عليه السّلام على المظنّة و الظهور، و ذلك لا يكفي في ثبوت لوازم الشهر من إفطار أو صيام، ما لم يعلم كونه من الظنون المعتبرة في ثبوت تلك الأحكام، و ليس في الروايتين ما يدلّ عليه فلا يصحّ الاحتجاج بهما.[3]**

«... لا يقتضي العلم بكون الهلال لليلة السابقة »؛ پس رؤیت قبل از زوال ما قطعی است اما موجب این نمی‌شود که علم پیدا کنیم که دیشب هم هلال داشته‌ایم. خُب وقتی نشد، **« غاية الأمر حصول الظنّ منها بذلك»**؛ یک ظنی می‌آید.

«فيجب حمل الحكم بكون «لليلة السابقة» في كلامه عليه السّلام على المظنّة و الظهور»؛ گمانی داریم و این گمان برای ما ظن خاص درست نمی‌کند. **«و ذلك لا يكفي في ثبوت لوازم الشهر من إفطار أو صيام»**. اینجا منظور من نیست. جواب سید مهم است. ایشان نمی‌گویند وقتی هلال را رؤیت کردیم قطعاً هلال طالع شده، منتظر چه هستید! این را نمی‌گویند. جواب می‌دهند:

> **قلت: المنساق إلى الأذهان من أمثال هذه العبارات بقرائن المقام أنّ المقصود منها الدلالة على ثبوت ما يلزمها من الأحكام؛ لأنّها مسوقة لبيان الأحكام الشرعيّة، و لا ريب في أنّ الظنّ بكون اليوم المذكور من شهر رمضان أو شوّال لا تعلّق لها ببيان حكم شرعيّ ما لم يقصد منه لازمه، و هو الصوم أو الإفطار، و ذلك واضح[4]**

«و لا ريب»؛ این تصریح سید در مطلبی است که عرض کردم. **«في أنّ الظنّ»؛** این کلمه "الظن"، هم همراهی با "ان قلت" است و هم همراهی و تبیینی مرام خودشان است. **«بكون اليوم المذكور»؛** روزی که قبل از زوالش قطعاً هلال را دیده‌ایم، **«من شهر رمضان أو شوّال لا تعلّق لها ببيان حكم شرعيّ ما لم يقصد منه لازمه».** پس از کلمه "الظن" که ایشان به کار بردهاند، کاملاً روشن است که مقصود ایشان همین است. پس ایشان از مشهور فاصله نگرفتهاند. در جای دیگری هم داشتند. من در کلماتشان شواهدی را دیدم.

بنابراین این نکته ی مهمی بود.

شاگرد: آیا منظور ایشان ظن به این است که رؤیت قبل از زوال، به‌معنای هلال دیشب است؟ چون می‌فرمایند «غایة المامر» ظن است که می‌آید. اما چه بسا شش ساعت قبل تشکیل شده و در شب قبل هلالی طالع نبوده است. شما اگر در ساعت یازده ببینید ظن به این پیدا نمی‌کنید که در شش غروب روز قبل هلال بوده. این عبارت ایشان هم تصریحی به این ندارد.

استاد: ایشان قبلاً حاشیه‌ای داشتند. مرحوم سید در یکی از نسخه‌های خطی از دو نسخه ای که هست، تعلیقه ای دارند. فرموده‌اند: **«مع ان عدم افادة الرؤية قبل الزوال القطع بكونه لليلة المضية لايوجب الحمل على المظنة و الظهور في كلامه عليه‌السلام[d6]».** م یخواهند بگویند ما به‌دنبال ظن خاص و اماره ای هستیم که شارع معتبر کرده است. خُب حکمت اعتبار این اماره رؤیت قبل از زوال چیست؟ خُب مظنه بوده ولی آن حکمت را امام علیه‌السلام در نظر گرفته‌اند، برای ما که نگفته اند اگر برای شما ظن آمد. شارع ظن را به‌عنوان حکمت ملاحظه کرده است. اما قطعاً فرموده که اگر قبل از زوال دیدید، مجزی است. این تعلیقه ایشان است. این تعلیقه باز شاهد این است که ایشان می‌خواهند ظن خاص را بیان کنند.

شاگرد: این طرف درست است که ایشان ظن خاص را از این باب می‌گیرند که روایت آمده است. اما این طرف که اگر شما در ساعت یازده قبل از ظهر دیدید، ظن به این پیدا کنید که در پنج بعد از ظهر دیروز هلال بوده.

استاد: خُب ایشان می‌گویند نمی‌شود.

شاگرد: تعبیر **«غاية المامر»** را داشتند که ظن پیدا می‌شود. گویا ظن را هم قبول ندارند.

استاد: نه، آن در "ان قلت" بود، نه در عبارت خود سید. در "ان قلت" که داشت حرف سید را در می‌کرد «غاية المامر» را فرمودند. سید هم در نکردند. مانعی ندارد. ولی آن چه که اصل حرف طرف بود، این بود که گفت: وقتی غاية المامر حصول ظن است، این ظن، ظن است. سید در تعلیقه فرمودند: نمی‌توان گفت امام هم فرموده‌اند یحصل الظن، امام به‌عنوان ظن خاص فرموده‌اند به حرف این رؤیت قبل از زوال گوش بدهید. من می‌گویم برای لیلة مامضیة حجت است. ولو برای شما ظن می‌آورد ولی ظن خاص است. این فرمایش سید است.

[1] جواهر الكلام نويسنده : النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن جلد : ۱۶ صفحه : ۳۷۴

[2] رؤيت هلال، ج۳، ص: ۱۹۸۵

[3] رؤيت هلال، ج۳، ص: ۱۹۷۲

[4] همان.

[d1]نقل قول

[d2]نقل قول

[d3]نقل قول: رؤيت هلال ج3ص1984

[d4]نقل قول

[d5]نقل قول

[d6]نقل قول

بازبينى #5
ايجاد شده 16 نوامبر 2025 13:59:30 توسط ... .
به روزرسانى شده 8 فوريه 2026 15:27:10 توسط ... .